

## کوروش شیوا

### از لفظ ساده‌ی ترانه تا ...

آن شب  
ترجمه‌ی آب را  
برای مادرم، به لفظ ساده‌ی ترانه خواندم  
خندید.

صبح  
کاسه‌ای آب پشت سرم ریخت.  
...  
حالا  
ابتدای این جاده‌ی دور ایستاده‌ام  
بی آب و  
بی دعا...

### بی تاب

آبی نمی‌گذارم توی آسمان  
آفتاب خوابش برده است!  
...  
تمام تیهوها  
دلواپس خانه تکانی من‌اند  
بعد از تو  
یادم باشد  
به حافظ مراجعه کنم!  
...  
می‌دانم  
دریا آرام نخواهد نشست...

### ستاره اصلانی

### شال و کلاه

شال و کلاه بودو زمستان بود.  
برف بودو سرما بود.  
من بودم و شال و کلاه بود.  
گذر زمان بود...  
شالو کلاه بودو زمستان نبود!!!  
برف نبودو سرما نبود.  
من بودم و شال و کلاه بود.  
و باز گذر زمان...  
شال و کلاه بود زمستان بود.  
برف بودو سرما بود.  
من نبودم و شال و کلاه بود.  
و باز گذر گذر زمان...  
شال و کلاه نبودو زمستان بود.  
برف بودو سرما بود.  
من نبودم و شال و کلاه هم نبود.